

مصطفی محدثی خراسانی که تاکنون از او چندین مجموعه شعر به چاپ رسیده‌است در جریان دیدار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان صدا و سیما با شعر ا‌حضور داشت. محدثی معتقد است آنچه تاکنون در حق شعر و ادبیات رواداشته‌شده به دلیل نبودنگاه جدی نزد مسئولان فرهنگی و نیز نداشتن راهبرد و سیاست بلندمدت نتوانسته اثر گذاری پایسته‌ای داشته باشد. نقل بر برخی جزئیات دیدار با رئیس رسانه ملی و وزیر ارشاد، بررسی راهکارهای برو رقت شعر از خودگی امروز این عرصه، انتظاراتی که از مسئولان فرهنگی و هنری برای تقویت آن می‌رود و نیز تأثیر گذاری احتمالی قرار گرفتن شعر در بحث نهضت ترجمه از محورهای گفت‌وگوی «جوان» با این شاعر کشورمان است.

■ ■ ■

**شاید بتوان گفت شعر در میان هنر های معاصر ایران از قوت بی‌مانندی برخوردار است اما متأسفانه آنطور که باید در جامعه این غنای ادبی جاری و ساری نمی‌شود. شرایط و اوضاع و احوال شعر و ادبیات را در این ایام چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

به جریان شعر کشور از دو منظر می‌توان نگاه کرد؛ یکی از حیث فضای خود شاعران و کار شاعری است که در هر شرایطی شاعر چون ناگزیر از شعر سرودن است تا تباطش در هر فرهنگی آماده پیدا می‌کند و خلق و سرایش اشعار همواره در حال زایش و رخ دادن است. اما آنچه نظام فرهنگی می‌تواند انجام بدهد تا این فضا رونق بیشتری بگیرد و انگیزه‌های بیشتری در فضای ادبی شکل بگیرد نگاه غیر راهبردی و کم اهمیت به حوزه شعری بوده است و چه در رسانه ملی و چه در حوزه دیگر رسانه‌ها و مطبوعات شعر از آن جایگاه شایسته و نقش آفرینی که در تاریخ و فرهنگ و میراث ادبی ما داشته به آن اهمیت داده نشده است. شعر نهاد و سازمانی متولی شعر به معنای کامل نیست. خیلی‌ها فعالیت‌هایی می‌کنند چه ارشاد و حوزه هنری و چه دیگر نهاد‌های فرهنگی اما یک جایی که سیاستگذار تمام و کمال باشد و به شکل راهبردی و ملی و با پشتوانه این کار را پی بگیرد هیچگاه نتوانیم و همچنان متولی شعر در کشور معلوم نیست و شعر به‌حال خودشان رها شده‌اند.

**در واقع شما معتقدید شوراهایی که این روزها توسط عناوینی مثل شورای تخصصی شعر یا محافل ادبی فعالیت می‌کنند نتوانسته‌اند ماوریت‌ها پیشان را در این رابطه درست انجام بدهند؟**

اینها تشکیل می‌شوند تا نیازهای خودشان را اجران کنند و اصلاً کاری به شعر و ادبیات آن ندارند. هر جا که شورای تخصصی شعری ایجاد می‌شود برای رفع و رجوع کارهای خودشان است. اینهایی هم که جشنواره برگزار می‌کنند یا کارهایی از این دست انجام می‌دهند قبلاً بذری نپاشیده‌اند که حالا بخواهند در جشنواره نمره آن را برداشت کنند و صرفاً می‌آیند و دسترنج شاعران را بدون هیچ هزینه‌ای به نفع خودشان برداشت می‌کنند.

**منظور تان این است که جشنواره‌ها به نوعی**



مصطفی شاعر کرمی

**مثل بازار چه عمل می‌کنند که شاعران حاصل تلاششان را آنجا می‌آورند و پرگزار کنندگان به نفع خودشان برداشت می‌کنند؟**

بله! اینها کاری نکرده‌اند، بذری نپاشیده‌اند که برداشت کنند. می‌آیند با یک فراخوانی و جشنواره‌ای دسترنج شاعران را جمع می‌کنند و آنها را به نام اداره و مجموعه خودشان در قالب کتاب منتشر می‌کنند یا اینکه با استفاده از آنها کنگره برگزار می‌کنند و بیلان کار می‌دهند. این در حالی است که در تولید این آثار هیچ نقشی نداشته‌اند و این یکی از مشکلات فضای شعر و ادبیات و شاعران کشورمان است.

**علت اینکه برخی مدیران فرهنگی شعر امروز را جدی نمی‌گیرند، چیست؟ آیا آنها را با اشعار شعرای گذشته مقایسه می‌کنند یا مشکل نگاه ظرفیلی‌گونه‌ای است که نسبت به شعر در ذهن آنها نقش بسته‌است؟**

بحث مقایسه با اشعار شعرای گذشته متنی است و علتش هم این است که اینها اساساً سواد چنین کاری ندارند. اگر آن مرتبه‌از سواد و بینش در بین آنها وجود داشت که جای شکرش باقی بود. نداشتن توجه جدی به شعر و شاعران دلایل متنوعی دارد که یکی از آنها حضور همیشگی شاعران بدون نیاز به هیچ‌گونه هزینه کردن در میدان است نه نازی دارند و نه نغمه‌ای و نه چهره سلبریتی شده‌اند که توقعات آنچنانی داشته باشند؛ به زعم آنها تولید محتوا و سرایش شعر همچون حاصل جوشش احساس و نقل است و شاعر برای آن هزینه‌ای نمی‌دهد. در حالی که اصلاً چنین فرضی درست نیست چون شاعر برای این کار عمر و تمام هستی‌اش را صرف می‌کند تا این ابیات شکل بگیرد. تمام کارهایش، زندگی و معیشتش را رها کرده تا توانسته این اشعار را بسراید. یکی دیگر از نکاتی که باعث می‌شود توجه خیلی جدی از سوی آقایان مسئول به این عرصه

## فرهنگی

**گفت‌وگوی «جوان» با مصطفی محدثی خراسانی، شاعر و فعال ادبی:**

# نهضت تازه ترجمه را می‌توان از شعر آغاز کرد

وارداتی است نه به آن شکل مثل شعر یک ریشه تاریخی بیش از هزار ساله در فرهنگ و ادبیات ما دارد، معاونتی داریم اما برای شعر که هر ایرانی با آن درگیر هست هر کسی که زبان فارسی تکلم می‌کند از شعر بهره می‌برد و شعر او را در زیباتر و درست‌تر سخن گفتن و حتی در بهتر دیدن جهان هستی کمک می‌کند. آن جایگاهی که باید داشته باشد را ندارد. شما یک جایی را به من بگویید که در نظام باشد و برای شعر سیاستگذاری کلان بکند و راهبردی داشته باشد؟

نداریم متأسفانه!

**طی چند وقت اخیر ما شاهد چاه‌جایی مدیران و مسئولان ارشد دولتی و حاکمیتی در حوزه فرهنگ و هنر بودیم. در همین ایام رئیس جدید سازمان صدا و سیما و وزیر ارشاد دولت سیزدهم با برخی از چهره‌های مبرز و شناخته شده حوزه شعر و ادبیات دیدارهای متعددی داشتند که علی‌الظاهر نشان‌دهنده عزم جازم آنها برای خدمت بیشتر به حوزه مهم و به مخاطره افتاده ادبیات و شعر است. توقع شما از این افراد و دستگاه‌های مسئول برای اعتلا و کمک به پیشبرد اهداف ادبیات، زبان و شعر فارسی چیست؟**

اینکه جناب اسماعیلی و آقای جلیلی که حتی قبل از انتخابشان به عنوان رئیس سازمان صدا و سیما جلساتی با شعرا داشتند در جای خودشان حاوی نکات امیدوارکننده‌ای است که نشان می‌دهد ادبیات و شعر جزو دغدغه‌های اولیه این عزیزان است و امیدواریم که در حد همین دیدارها و علاقه‌های موتقی و شخصی نماند و به برنامه‌های کلان، راهبردی و درازمدت تبدیل بشوند و به پیشرفت جریان شعر کشورمان کمک کنند.

**با توجه به اینکه شما در این دیدارها حضور داشتید نوع نگاه و سطح دغدغه آنها نسبت به شعر و ادبیات را چطور ارزیابی می‌کنید؟ و آیا اساساً راهبرد خاص و ویژه‌ای برای شعر از سوی آنها مطرح شد؟**

جلسه آقای اسماعیلی به مناسبت روز تکريم شعر و ادب بود که یک مراسم رسمی تقویمی و سالانه به حساب می‌آمد و صحبت‌هایی که آقای وزیر در آن جلسه مطرح کردند از جنس صحبت‌هایی است که معمولاً بقیه افراد هم در چنین جلساتی مطرح می‌کنند و باید منتظر عملکرد ایشان باشیم. اما آقای جلیلی صراحتاً و به‌طور مشخص دربارهٔ هر جنبهٔ کردند که به‌نظر می‌آمد حوزه شعر و ادبیات جزو دغدغه‌های اصلی شان است و به دنبال ارتقای سطح آن هستند تا شعر و ادبیات فارسی را به جایگاه شایسته‌اش در همه شئون صدا و سیما برسانند. ما هم در این زمینه امیدواری‌های زیادی داریم چرا که اثر صدا و سیما به عنوان رسانه ملی به اهمیت این قضیه بی‌بربر و به شأن و جایگاه مهم ادبیات و شعر واقف پیدا بکنند به‌نظر من حتی می‌تواند عملکردش با این سلیل مخاطب و پوشش و نشر گستره عظیمی که در کشور دارد از وزارت ارشاد هم اثرگذارتر و جلوتر باشد.

**ما در حوزه ترجمه اشعار شعرای بزرگی مثل حافظ، عمر خیّام، مولوی و سعدی اقداماتی داشته‌ایم. به نظر شما با توجه به اینکه رهبر انقلاب بحث لزوم اهمیت نهضت ترجمه در حوزه ادبیات و داستان را مطرح کردند، آیا می‌توانیم به اثر گذاری و کمک این نهضت به ترجمه شعر شاعران عصر حاضر امیدوار باشیم؟**



مصطفی شاعر کرمی

**مهم ادبیات و فعالانش نشود این است که شعرا در بزنگاه منتظر عونتامه نمی‌مانند و معمولاً در میدان‌های مختلف حضور کشتگرانه دارند و بر اساس سفارش عقل و دلشان شعر می‌گویند. این بی‌مهری‌ها و کم‌توجهی‌ها در حالی است که شعر در عرصه‌های تاریخی و مهم کشورمان مثل دوران انقلاب، ایام دفاع مقدس هشت ساله و بیعت مدافعان حرم و دیگر عرصه‌ها حضور همیشگی و درخشان داشتند که همچنان هم ادامه دارد و بر خلاف این مسائل متأسفانه هیچ‌گاه هم حق شعر در نظام فرهنگی ما به لحاظ شأن آن و نه به لحاظ حمایت‌های مادی آدا نشده‌است.**

**بر خلاف تأکیداتی که رهبر انقلاب در رابطه با شعر و ادبیات دارند مسئولان حوزه‌های مرتبط با این هنر اصیل - ایرانی بر اساس اقداماتی که‌روی زمین اتفاق می‌افتد و نه اظهارات میکروفونی و گفت‌وگوهای رسانه‌ای - توجه و اهمیتی برای آن قائل نیستند؛ به نظر شما علت این کم‌توجهی‌ها چیست؟**

من می‌خواهم بگویم که همین حداقل‌هایی که در مورد شعر و توجه به این عرصه اتفاق می‌افتد مرون حسن‌نظر و تأکیدات مقام معظم رهبری و جلسات حضوری شعرا با ایشان است. اگر همین جلسات دیدار رهبری و این سفارشات و تأکیدات ایشان بر اهمیت جایگاه شعر نبود، قطعاً اوضاع ما به شدت وخیم‌تر از الان بود. گاهی مسئولان فرهنگی تحت تأثیر جو این جلسات در همان بازه زمانی یک کارهایی می‌کنند، سر ذوق می‌آیند، جوگیر می‌شوند و حرکات موفقی انجام می‌دهند اما چندان هدفمند و سیاست‌گذاری شده بر اساس یک راهبرد کلان نیست منتج به نتیجه خاصی نمی‌شود و معمولاً ایت‌ر می‌مانند. ما الان در وزارت ارشاد یک معاونتی تحت عنوان معاونت سینمایی داریم در صورتی که با تمام اهمیتی که دارد سینما یک هنر



تجاری و عامه‌پسند سینما و بانگایی جدید و بدیع دست به تولید آثار سینمایی می‌زند و معمولاً با بودجه‌های کم و شخصی‌شکل می‌گیرند. سینمای مستقل ایران از دهه ۴۰ شمسی به جریان گرفتن ادبیات روشنفکری ایران شروع شد و مقابل سینمای فیلمفارسی قرار گرفت که مروج بی‌بندوباری و ابتذال بود. سینمای مستقل با کارگردانانی از جمله غفاری، شهید ثالث، بیضایی و نادری بار بار قه‌های امید را در سینمای ایران شکل داد.

حتی مسعود کیمیایی با ساخت فیلم‌های قیصر و گوزن‌ها و دارپوش مهرجویی با ساخت فیلم گاو نرناستند با نقد حاکمیت سیاسی آن زمان به نوعی در حرکت اعتراضی مردم ایران یاری رساندند. سینمای مستقل موحی از سینماگران مؤلف سینمای ایران به جهان معرفی نمود و این فیلم‌ها علاوه بر نمایش و استقبال در سینماها و جشنواره‌های داخل ایران به موفقیت‌های جهانی و نمایش در عرصه بین‌الملل ناائل آمدند. پس از بهمن سال ۵۷، تا چند سال سینمای ایران به حاشیه رفت، ولی فیلمسازان موع نو دوبار با ساخت فیلم‌هایی با مضمون انسانی، جریان سینمای مستقل ایران در عرصه بین‌الملل را آغاز کردند. در این دوره با توجه به جنگ تحمیلی تولید آثار سینمای جنگ، سینمای دینی و معناگرا آغاز شد و فیلمسازی جوان و جدید نیز به این عرصه وارد شدند. می‌توان تبلور سینمای هنری و مؤلف ایران را در دهه ۷۰ شمسی دانست؛ چنان که سینمای ایران به پیشرفت رسید که می‌توان گفت در بیشترین جشنواره‌های بین‌المللی و مهم فیلم‌های ایران سرآمد بودند. یکی از این فیلمسازان شاخص عباس کپورستمی بود و این تاریخچه مختصر می‌توان تحلیلی نسبت به سینمای مستقل ایران در عرصه بین‌الملل دانست. بعد پایان و حذف نگاتیو از سینما و شروع عصر تکنولوژی دیجیتال تحول

عظیمی در سینما به وجود آمد. با توجه به اینکه در دسترس بودن و ارزان شدن مترئال تولید تصویر، موج جدیدی از سینماگران جوان و مستقل شروع به فعالیت کردند. سینمای مستقل که بسیاری از فیلم‌های مؤلف هنری ایران با کمترین بودجه ساخته شد و در کنار آن فعالیت‌های مؤسسات آموزشی و دانشگاهی نیز گسترش یافت که می‌توان انجمن‌های سینمای جوان در سراسر کشور و مؤسسات خصوصی نیز در این عرصه به تربیت نسلی جوان و مشتاق سینما پرداختند.

در سال‌های جدید موج گسترده‌ای از ساخت فیلم‌های کوتاه در ایران تولید شد و حتی رکورد‌های جهانی در تولید و عرضه و نمایش در جشنواره‌های بین‌المللی را شکستد و در کنار آن باید اذعان نمود که متأسفانه آثاری با کیفیت پایین نیز تولید شد. به هر شکل سینمای مستقل ایران همچنان با فراز و نشیب‌ها در دولت‌های مختلف در ایران و سلیقه‌های متفاوت مدیریت‌های دولتی به راه خود ادامه می‌دهد و شایان ذکر است سینمای مؤلف ایران متأسفانه هنوز نتوانسته به هدف ایده‌آل جذب مخاطب داخلی برسد. هر چند در سال‌های اخیر با نمایش فیلم‌های مستقل و هنری در سینماهای محدود که بیشتر آن در شهرهای بزرگ و تمدن ایران زمین باشد.

**تجسمی مصطفی محمدخانی**

هندهسه خوشنویسی ندارند. در حوزه نقاشی خط کار می‌کنند و به صرف صاحبنام بودن در نقاشی، اثرشان خریدار دارد.

«یدالله کابلی» خوشنویس و عضو شورای عالی انجمن خوشنویسان ایران با بیان این مطلب در دومین نشست مجازی «تجسم» که در صفحه اینستاگرام خانه هنرمندان ایران برگزار شد، گفت: همه کسانی که در عرصه‌های مختلف تحولات اجتماعی، سیاسی، علمی، پژوهشی و... زحمت می‌کشند، خودشان بر این باورند که تلاش هنرمند مانا و ماندگار است. بدون تردید می‌توان گفت که هنرمندان مانند یک منشور چندوجهی، هر چه وجودشان سرشار از تلاش برای درخشندگی است؛ چه آن زمان که اثری را خلق می‌کنند و به پدیده‌ای می‌اندیشند که حاصلش کاری ماندگار باشد. وی افزود: جامعه هنری، به‌طور خاص و عام، نسلی پیشرو، فرهیخته، فزانه هستند. آنها در زندگی روزمره خود مدام در حال کشف، تکاپو و کشف و شهود در عالم معنا هستند. در بین هنرهایی که همه به سوی یک نقطه تعالی حرکت می‌کنند، شاید هنر خوشنویسی با توجه به اینکه بادو عنصر زیبایی شناختی و زیبایی بصری که هندسه ساختاری خط است، زیبا باشد. وی ادامه داد: تاریخ پیدایش تمدن بشری از زمانی آغاز شد که نوشتن ابداع شد. امروزه در جشنواره‌ها و همایش‌های بین‌المللی، هنرمندان از نقاط مختلف جهان شرکت می‌کنند و خوشنویسی همچنان به‌عنوان یک هنر زنده و پویا مطرح است و در برخی کشورها آن را هنر قدسی می‌دانند. در ادامه این نشست، کابلی عنوان کرد: بحث نقاشی خط صحبت دهه‌های اخیر نیست، می‌توان گفت قبل از قاجار و دوران صفویه کسانی بودند که کار نقاشی خط می‌کردند. آنها خط را به شکل محیطی طراحی کردند و در آن نقش

عضو شورای عالی انجمن خوشنویسان ایران عنوان کرد

## نقاشانی که هندسه خط نمی‌دانند اما پرورشند!



مسیر نیازمند مطالعه است که ما در عالم لحظه‌ها و خالق آن مستغرق شویم.

در بخش دیگری از نشست مجازی، یدالله کابلی اظهار کرد: هنر مند باید هویت خود را در کارش عرضه کند. اینجا تنها هنر نیست و ترکیبی از دانش و خلاقیت نیز است. اگر به گذشته تاریخ خوشنویسی ایران نگاه کنیم، دلیل پیشایش قلم‌های متفاوت این سود که ذوق ایرانی تحمل یکجانبه‌نگری و ملال‌آوری را به خود نمی‌داد، در نتیجه از هر خطی، خط تازه‌ای پدید آمد. هنر زمانی هنر است که با نگاهی ژرف و عمیق و با کنکاشی با قوای تخیل و خلاقیت همرا باشد.

کابلی بیان کرد: آیا هنرمندی که خیلی به پوسته پرداخته و به دقت تمام ابعاد، تناسبات، ظرافت‌ها و ترائش‌الماش‌گونه کلمات و حروف را یاد گرفته، می‌تواند با آنها فضاسازی و زیبایی‌رایجاد کند؟ آن فکرگیری و توجه، نباید دست‌وپای هنرمند را نگه دارد.

وی گفت: هنر دنیایی است که همه می‌توانند به آن پناه ببرند و آن خود را پیدا کنند. دنیا هنر انسان را به ظرافت، زیبایی، مهربانی، لطافت و انسس و لغت دعوت می‌کند. همه مردم تندخو، کج‌خلق، بداخلاق و بدبختی زمانی می‌توانند اصلاح شوند که با هنر آشتی کنند، هنر صلح همه جنگ‌هاست.